



پلیس درباره خطرات آگهی های جست و جوی همخانه هشدار داد

همخانه با قاتل

تنهایی اش کند، شاید از این وضع خلاص شود. در سایت آگهی همخانه را منتشر کرد. نه پول پیش می خواست و نه اجاره. فقط همخانه ای که بتواند همدردش باشد، کافی بود. چند نفری زنگ زدند و به خانه آمدند. بعضی معتاد بودند و بعضی دیگر حوصله همخانه شدن با يك پیرمرد را نداشتند

بعد از مرگ لیلا، تنهایی آزارش می داد و این اواخر بیشتر احساس تنهایی می کرد. ۱۵۰ متر خانه که همه جای آن برایش خاطره ای از لیلا بود. صص تصمیم گرفت همخانه ای را وارد

مجید غمخور
تپش

و خودشان منصرف می شدند. چند روزی گذشت تا این که يك روز صبح با صدای زنگ تلفن از خواب بیدار شد. آن سوی خط دختر جوانی بود. وقتی فهمید پیرمرد تازه از خواب بیدار شده، با عذرخواهی قطع کرد و يك ساعت بعد دوباره زنگ زد. سلام، ببخشید آقا صبح بیدارتان کردم. من مهسا هستم. در تهران دانشجوی هستم. پدرم کشاورز است و وضع خوبی نداریم. می خواستم اگر اجازه دهید همخانه شما شوم. کارهای خانه را هم انجام می دهم. پیرمرد مکثی کرد و بعد نشانی خانه را داد. حدود نیم ساعت بعد دختر جوان در قاف آیفون خانه جا گرفت. وارد خانه که شد از سرگذشت تلخش گفت. پیرمرد هم خانه را به او نشان داد و به اتاقی که در نزدیکی در ورودی بود اشاره کرد و گفت: اینجا اتاق هست. يك روز برویم تخت و کتابخانه بخر. فقط اینجا قانون دارد. مهمانی ممنوع و ساعت خواب ۱۰ شب است. اگر بد خواب شوم تا صبح خوابم نمی برد. مهسا قبول کرد و قرار شد به خوابگاه برود و وسایلش را جمع کند و فردا بیاید. چند دقیقه از رفتن مهسا گذشته بود که این بار در چارچوب ورودی در جا گرفت. این بار تنها نبود و دو مرد پشت سرش ایستاده بودند. پیرمرد شروع به سرو صدا کرد. دو مرد قوی هیکل سمتش رفتند و با شالی دهانش را بستند. بعد هم او را به حمام بردند. هرچه دم دستشان بود را برداشتند و بار پرایدشان کردند که به حیاط خانه آورده بودند. بعد هم فرار کردند.

چند روز بعد...

دختر پیرمرد چند بار با خانه پدر تماس گرفت اما او به تلفن جواب نمی داد. دل نگران بار سفر بست و راهی تهران شد. هر چه در زد پدر در را باز نکرد. همسایه ها هم از او بی خبر بودند. با پلیس و آتش نشانی تماس گرفت و درخواست کمک کرد. چند دقیقه بعد در باز شد و وارد خانه شدند. بوی بدی فضای خانه را پر کرده بود. رد بورا گرفتند و به حمام رفتند. جسد پیرمرد در گوشه حمام افتاده بود و چند روزی از مرگش می گذشت.

حراج حریم خصوصی



سردار علیرضا لطفی
رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ

مدت هاست با پیشرفت فناوری و رشد استفاده از فضای مجازی و بهره گیری از امکانات این فضا در انجام امور شخصی، بسیاری از شهروندان بیشتر امور مربوط به زندگی شخصی خود از جمله خرید و فروش، مطالعه و ... را با بهره گیری از امکاناتی که سایت های واسطه خرید و فروش در اختیارشان قرار می دهند انجام می دهند و در بسیاری از موارد این امر به صرفه جویی در وقت و هزینه افراد می انجامد. با وجود این باید پذیرفت هنوز هم فضای مجازی برای انجام تمام امور شخصی ما امن نبوده و کارهای زیادی وجود دارد که همچنان باید محتاطانه و با استفاده از امکانات فضای حقیقی به انجام رساند.

از جمله این امور که برای برخی شهروندان به مالباختگی منجر شده، بحث درج آگهی همخانگی در سایت های واسطه خرید و فروش می باشد. شما با درج این آگهی در فضای مجازی تمامی جزئیات مربوط به زندگی شخصی از جمله زندگی مجردی، جنسیت، شغل، محل سکونت و بسیاری اطلاعات شخصی ذی قیمت دیگر را داوطلبانه در اختیار مجرمان و افراد ناشناس قرار می دهید و فرصتی طلایی برای آنان فراهم می آورید تا با توجه به شرایط زندگی شما با نقشه و شگرد مناسب سرافغان آمده و از لحاظ مالی و حیثیتی ضربات سنگینی به شما وارد کنند.

شاید فضای مجازی محل مناسبی برای فروش يك وسیله دست دوم یا خرید وسایل مورد نیاز شما باشد و حتی آگهی اجاره یا خرید و فروش ملك هم چندان دردسرساز نباشد، اما برای موضوعی مانند پیدا کردن همخانه، شما خواسته یا ناخواسته کلیه اطلاعات خصوصی خود را به حراج می گذارید.

متاسفانه در حال حاضر برخی شهروندان بی توجه به مسائل شرعی و قانونی و بدون توجه به جنسیت هر فردی را به زندگی

زیر يك سقف دعوت می کنند. همین امر باعث شده این روزها شاهد سوء استفاده مجرمان از آگهی های همخانگی توسط مجرمان باشیم. برخی مردان به راحتی با دیدن يك زن (که همدست سارقان است) در خانه خود را به روی افراد ناشناس گشوده و در نهایت با به سرقت رفتن اموالشان، با شرمندگی از شرایط پیش آمده نسبت به شکایت از متهمان اقدام می کنند. به خاطر داشته باشید وقتی شما دست به اقدامی خلاف عرف جامعه و اعتقادات و بستر فرهنگی که در آن به سر می برید، می زنید، نباید انتظار داشته باشید با بخش سالمی از اجتماع در ارتباط قرار بگیرید. شما با رفتار خارج از شرع و عرف خود یعنی همان دعوت از افرادی از جنس مخالف برای همخانگی، خواسته یا ناخواسته خود را در مواجهه با لایه های پنهان و بزهدار جامعه یعنی همان دنیای مجرمان و کلاهبرداران و سوء استفاده گران قرار می دهید و به راحتی توسط این افراد شناسایی شده و مورد سرقت، آزار و اذیت یا اخاذی قرار می گیرید. حتی اگر در گام



نخست مورد هیچ گونه سوء استفاده ای قرار نگیرید، باید به سلامت اخلاقی و فکری خانمی که می پذیرد بدون آشنایی قبلی و براساس يك آگهی در فضای مجازی با شما زیر يك سقف قرار بگیرد، شك کنید و منتظر باشید دیر یا زود انواع صدمات مالی و حیثیتی را به زندگی شما وارد کنند.

اگر به دلیل تنهایی یا مشکلات مالی ناچار به قبول همخانه هستید، برای محافظت از خود حتما فردی از دوستان و آشنایان نزدیک و مورد اعتماد خود دعوت کنید

یا در خوابگاه های دارای مجوز اسکان پیدا کنید. نگاهی گذرا به پرونده های متشکله در پلیس آگاهی درخصوص انواع سرقت ها، کلاهبرداری ها و اخاذی های صورت گرفته با استفاده از روابط بی مهار و خارج از چارچوب زن و مرد نشان می دهد پایبندی به باورهای مذهبی و آنچه در جامعه اسلامی ایرانی ما درخصوص روابط زن و مرد به عنوان عرف پذیرفته شده، از شما در برابر بسیاری از آسیب ها محافظت خواهد کرد. در هفته های اخیر اتفاقات ناگواری به خاطر همین شرایط ایجاد و در يك مورد سارقان و دزدان خشن با ورود به خانه دختر جوان، اموال با ارزش او را سرقت کرده و بعد روی بدنش آب جوش ریختند. در پایان با توجه به افزایش جرایم و آسیب هایی که بستر آنها فضای مجازی و شبکه های اجتماعی است، به شهروندان توصیه می شود: با هوشیاری و احتیاط با جنبه های مختلف دنیای مجازی برخورد کرده و به سادگی به آنچه در این فضا به آنان عرضه می شود، اعتماد نکنند.

آگهی

متاسفانه برخی شهروندان بی توجه به مسائل شرعی و قانونی و بدون توجه به جنسیت هر فردی را به زندگی زیر يك سقف دعوت می کنند. همین امر باعث شده این روزها شاهد سوء استفاده مجرمان از آگهی های همخانگی باشیم

آگهی